

مقایسه منزلت‌های هویت بین‌فردی زنان و مردان متأهل
با توجه به وضعیت طلاق عاطفی

The Comparison of Interpersonal Identity Statuses in Married People
with Regards to Emotional Divorce

Seiyedeh Fatemeh Mousavi

Abbas Rahiminezhad

سیده فاطمه موسوی *

عباس رحیمی‌نژاد **

Abstract

Identity formation and its role in the intimate relationships of marriage are very important & require research and studying. The aim of this research was to compare the means of four interpersonal identity statuses of emotionally divorced men & women. The research method was descriptive and the design was ex post facto. The Participants were 200 married men & women that five years past from their marriage who were selected by two stage random cluster sampling from five regions of Qazvin City. The participants completed two questionnaires consisted: Extended Objective Measure of Ego Identity status-2nd version (EOM-EIS-2) and Gottman's emotional divorce scale were used. Data were analyzed by spss20 software in MANOVA & ANOVA. Results showed no significant difference in identity statuses between men & women. There was significant difference between two groups with & without syndromes of emotional divorce in identity statuses (moratorium & diffusion), that is, the group with syndromes of emotional divorce obtained higher scores in identity statuses like moratorium & diffusion. The couples that diffused in interpersonal relationship identity are more likely to have emotional divorce symptoms. So, considering similarity in identity statuses as a mate selection criterion by spouses can grantee the marital success in their future life.

Key Words: Identity Statuses, Emotional Divorce

چکیده

شکل‌گیری هویت و نقش آن در برقراری روابط صمیمانه در ازدواج از اهمیت ویژه برخوردار بوده و نیازمند مطالعه و تحقیق است. مطالعه حاضر با هدف بررسی مقایسه‌ای منزلت‌های هویت بین فردی متأهلین دارای و بدون نشانگان طلاق عاطفی ساکن شهر قزوین صورت گرفته است. پژوهش از نوع توصیفی و علی-مقایسه‌ای است. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای دومرحله‌ای است. بدین منظور ۲۰۰ زن و مرد متأهلی که نزدیک به پنج سال از ازدواج آن‌ها گذشته است، به طور تصادفی از پنج منطقه از شهر قزوین انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات، آزمون عینی گسترش یافته‌ی منزلت‌های هویت من (EOM-EIS2)، و مقیاس طلاق عاطفی گاتمن مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد بین دو گروه زنان و مردان در منزلت‌های هویتی بین‌فردی تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بین منزلت‌های هویت افراد با توجه به وضعیت طلاق عاطفی تفاوت معناداری مشاهده شد. تحلیل واریانس داده‌ها حاکی از تفاوت معنادار بین دو گروه دارای و بدون نشانگان طلاق عاطفی در منزلت‌های هویتی سردرگم و بحران‌زده بود، بدین معنی که گروه دارای نشانگان طلاق عاطفی در دو منزلت هویتی یادشده، نمرات بیشتری کسب نمودند. همسرانی که در هویت ارتباطی بین‌فردی سردرگم هستند، بیش‌تر دارای نشانگان طلاق عاطفی هستند. لذا توجه افراد به همسانی در هویت، به عنوان یکی از ملاک‌های همسرگزینی، می‌تواند زمینه‌ساز زناشویی موفق در زندگی مشترک آینده آن‌ها قلمداد شود.

واژه‌های کلیدی: منزلت‌های هویت، طلاق عاطفی، همسران

email: f.mousavi@alzahra.ac.ir

* عضو هیات علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء(س)

** عضو هیات علمی دانشگاه تهران

Received: 2 Mar 2014

Accepted: 5 Jun 2015

پذیرش: ۹۳/۱۰/۱۵

دریافت: ۹۳/۱۲/۱۱

مقدمه

شناخت هویت خود در ارتباط با دیگری، نکته کلیدی در پردازش شکل‌گیری هویت می‌باشد، اینجاست که فرد تلاش می‌کند به ساخت احساسی متوالی از خود شامل ویژگی‌های فیزیولوژیکی، روانشناختی و هیجانی- اجتماعی دست یابد. افراد در مرحله نوجوانی تلاش می‌کنند به احساسی متوازن بین ادراک از خود، درکی از انتظارات دیگران از خود و آنچه در نظر دیگران جلوه می‌کنند، دست یافته تا بدین وسیله به احساسی بهنجار از هویت سالم دست یابند (کوک و جونز، ۲۰۰۲). از دید لیدر (۲۰۰۴)، ترجمه اسماعیلی، ۱۳۸۸)، هویت شخصی در حد فاصل دو دنیا یا دو واقعیت مجزا، اما همپوش یعنی افراد (واقعیت روانشناختی) و اجتماع (واقعیت اجتماعی) پدید می‌آید. شکل‌گیری هویت، شامل ایجاد انتخاب (اکتشاف)^۱ و تعهد^۲ به نقش‌هاست (مولیس، مولیس، اسکوارتز، پیتز و شرینر، ۲۰۰۷). از دید مارشیا (۲۰۰۲) ترکیب این دو فرآیند چهار منزلت هویتی را به‌وجود می‌آورد (نولن- هوکسما، فردریکسون، لانتس و وگنار، ۲۰۰۹، ترجمه گنجی، ۱۳۹۰) که از آن میان، هویت موفق^۳ و دنباله‌رو^۴ از لحاظ روانشناختی، بیش‌ترین و منزلت‌های بحران‌زده^۵ و سردرگم^۶ کم‌ترین میزان سازگاری را در انواع منزلت- های هویتی نشان می‌دهد (فوجاکف، ۲۰۰۷). افراد دارای هویت موفق بر این باورند که می‌توانند در دوره- های زندگی خود تاثیرگذار بوده و در عین حال، مسئولیت اعمال خویش را بپذیرند، در حالی که افراد با هویت سردرگم، معتقدند عوامل تاثیرگذار بر زندگی آن‌ها اساساً خارج از کنترل آن‌هاست. افراد با هویت دنباله‌رو و بحران‌زده بین این دو دیدگاه قرار گرفته‌اند (مارشیا، ۱۹۹۳، به نقل از فاجوکف، ۲۰۰۷). برزونسکی^۷ (به نقل از اسمیتس، ۲۰۰۹) نیز با تلفیق ابعاد گوناگون هویت از قبیل فرآیند، ابعاد و محتوا به تعریف سه هویتی شامل سبک هنجاری (هویت دنباله‌رو)، سبک اطلاعاتی (هویت موفق و بحران- زده) و سبک هویتی اجتنابی (سردرگم) دست یافت. مطالعات طولی نشان می‌دهد جریان رشد هویت به سوی دست‌یابی به هویت موفق، برای بسیاری در دوره بزرگسالی رخ می‌دهد (کروگر، ۲۰۰۷). در این دوران، افراد با چالش‌های پایه‌گذاری روابط صمیمی با دیگران مواجه شده (اریکسون، ۱۹۶۳)، افراد مهمی چون همسر، دوستان و والدین از طریق ارزشیابی‌های کلامی و غیرکلامی خود، بر چگونگی شکل‌گیری هویت و نگرش به خود، تاثیر می‌گذارند (استس و بورک، ۲۰۰۵).

¹.exploration

².commitment

³.achieved identity

⁴.foreclose identity

⁵.moratorium

⁶.diffusion

⁷.Berzonsky

در دوره گذار از مرحله شکل‌گیری هویت (مرحله پنجم) به مرحله ایجاد صمیمیت (مرحله ششم نظریه روانی - اجتماعی اریکسون)، دو جنس مخالف، در پی به اشتراک‌گذاردن افکار و رفتارهای خود بوده، هر فرد به دنبال «آمیختن هویت خود با هویت دیگران» است (اریکسون، ۱۹۶۳). مهم‌ترین نمود این اشتراک، در فرآیند ازدواج رخ می‌دهد (کوک و جونز، ۲۰۰۲). چنان‌چه هر یک از طرفین رابطه قادر به تحلیل و اصلاح هویت خود در چارچوب ازدواج نباشد، مشکلات بسیاری را در تداوم روابط صمیمانه خود با دیگری تجربه می‌کند که فرایند به اشتراک‌گذاری صمیمیت را با اختلال مواجه می‌سازد (والرستین، ۱۹۹۴)، لذا از آن‌جا که ارتباط با همسر، جنبه مرکزی زندگی عاطفی و اجتماعی هر فرد به شمار می‌رود، چنین تعارضاتی می‌تواند علاوه بر آسیب‌های فردی و اختلال در فرآیند رشد هویت، به توانایی آن‌ها در برقراری روابط مطلوب با دیگران آسیب برساند (وینچ، ۱۹۷۱، به نقل از نادری، حیدری و حسین‌زاده مالکی، ۱۳۹۰). جدایی زناشویی^۹، به عنوان پدیده رایج و برآیند چنین تعاملاتی (کوک و جونز، ۲۰۰۲)، در ۷۵٪ موارد به طلاق منجر شده است (گاتمن، ۱۹۹۳) که به تأیید مطالعات صورت گرفته، بیش‌تر در ۴ سال پس از ازدواج رخ می‌دهد (کوک و جونز، ۲۰۰۲). این میزان، طبق نتایج سرشماری مرکز آمار ایران (۱۳۸۹) به تدریج در حال افزایش است. انواع ناسازگاری‌های حاد و مزمن زناشویی - که خانواده‌های بسیاری را از نعمت سلامت و محبت زناشویی محروم نموده - نیز به این آمار افزوده می‌شود (صبور اردوبادی، ۱۳۸۷). افزایش ناسازگاری‌ها، زوجین را درگیر یک کشمکش دوجانبه گردانده، به تدریج منجر به افزایش فاصله‌ها، طلاق عاطفی^{۱۰} و بی‌تفاوتی نسبت به هم، علی‌رغم همزیستی می‌شود (خواصی، ۱۳۸۹). اینجاست که کیفیت شکل‌گیری هویت افراد می‌تواند پیش‌بینی‌کننده موفقیت آن‌ها در فرآیند درهم‌آمیزی عاطفی و روانی (صمیمیت) مورد توجه قرار گیرد.

از آن‌جا که مفهوم طلاق عاطفی با موضوع ناراضی‌تی، ناسازگاری یا تعارضات زناشویی پیوند خورده است، به پژوهش‌های محدود به این حوزه استناد می‌شود. نجفلویی (۱۳۸۳) نشان داد زوجین دارای تمایز یافتگی پایین، تعارضات زناشویی بالایی را تجربه می‌کنند. گُستا، هریست و مک‌کرا (۲۰۰۰) نیز دریافته‌اند که وقایع خاص زندگی مرتبط با هویت، هم‌چون تغییر در موقعیت زناشویی ارتباط بسیار زیادی با تغییرات شخصیتی دارد. استس و بورک (۲۰۰۵) دریافته‌اند همسران فاقد توانایی واری هویت، قادر به بکارگیری فرآیندهای کنترل نبوده، از الگوهای تعاملی نامطلوبی برخوردارند. بنابراین، همسرانی که نقش‌های مربوط به هویت همسر خود را تأیید نمی‌کنند، پایه‌های روابط بین‌فردی را مخدوش می‌سازند. برخی مطالعات هیچ نوع رابطه‌ای بین منزلت‌های هویت و صمیمیت نشان نداده، در حالی که برخی دیگر از

^۸. Winch

^۹. marital separation

^{۱۰}. emotional divorce

پژوهش‌ها، حاکی از رابطه بین سطوح بالای صمیمیت و هویت هستند (آرست، کروگر و مارتین یوسن، ۲۰۰۹)، به گونه‌ای که وقتی دیگران هویت افراد را تایید نمی‌کنند، آن‌ها هیجانات نامطلوبی چون افسردگی و فشار روانی را تجربه کرده، روابط آن‌ها را نیز متاثر ساخته، منجر به کاهش تعهدات زناشویی، وابستگی هیجانی به همسر و احساس اتحاد و «مابودن» در زوجین می‌گردد (استس و بورک، ۲۰۰۵). دی‌لاروند و سوان (۱۹۹۸) در پژوهش خود نشان دادند صمیمیت زمانی کم‌رنگ می‌شد که درکی متفاوت از هویت فرد در ذهن همسرشان شکل گرفته و تاییدی بر هویت خودساخته وی صورت نمی‌گیرد. زیمرمن و بکر- استول (۲۰۰۲) دریافتند دلبستگی ایمن با منزلت هویت‌یافته و فقدان دلبستگی با منزلت هویت سردرگم، رابطه‌ی مثبتی دارد. در مطالعه آرست و همکاران (۲۰۰۹) میانگین دلبستگی ایمن در بین افراد با هویت موفق بسیار بیش‌تر از افراد با هویت دنباله‌رو یا سردرگم بود. مطالعات دیگری، نشان دادند که افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی، تمرکز زیادی بر روابط بین‌فردی نموده، برعکس افراد دارای سبک هویتی سردرگم- اجتنابی توانایی ناچیزی در ارتباطات با دیگران از خود نشان می‌دهند (اسمیتس، ۲۰۰۹). اسپتلی، راجرز و نی (۱۹۹۹) و آگنیو، ون لانگ، راسبالت و لانگستون^{۱۱} (۱۹۹۸)، به نقل از اسپتلی و همکاران، (۱۹۹۹) دریافتند هویت رابطه‌ای (تعریف خود در رابطه با دیگری)، بین تصور از رابطه فیما بین و رضایت از رابطه، در یک رابطه دوستانه نقش تعدیل‌کننده دارد، اما در افراد متاهل، هویت مشترک (تعریف خود در یک رابطه تعهدآمیز)، نقش میانجی را برعهده دارد. این یافته در مورد زنان و مردان تفاوت معناداری نشان نداد. این امر نشان می‌دهد هویت فردی بسیار مهم‌تر از جنسیت، تصور از رابطه بین فردی و رضایت از رابطه موجود را تعیین می‌کند. تیچ و ویت بورنه (۱۹۸۲) نیز تفاوت جنسیتی قابل ملاحظه‌ای در صمیمیت و وضعیت هویت افراد مشاهده نکردند، اما هادسون و فیشر (۱۹۷۹) دریافتند که موفقیت در صمیمیت، ارتباط نزدیکی با موقعیت هویت مردان نسبت به زنان دارد. یافته‌های پژوهش لوئیز^{۱۲} (۲۰۰۳)، به نقل از فاجوکف، (۲۰۰۷) نشان داد که تفاوت‌های جنسیتی در تحول هویت افراد مشهود است، در حوزه هویت بین‌فردی، زنان در منزلت هویت موفق و مردان در منزلت‌های هویتی سردرگم و دنباله‌رو، نمرات بیش‌تری کسب نمودند. با توجه به آنچه گفته شد، این پژوهش در پی مقایسه منزلت‌های هویتی دو گروه دارای و بدون نشانگان طلاق عاطفی در زنان و مردان متاهل می‌باشد. در راستای وصول به این هدف، این مطالعه در پی پاسخ‌گویی به پرسش ذیل می‌باشد:

- آیا میزان طلاق عاطفی در منزلت‌های هویت بین‌فردی زنان و مردان تفاوت وجود دارد؟

- آیا میزان طلاق عاطفی در منزلت‌های هویت بین‌فردی متاهلین تفاوت وجود دارد؟

¹¹. Agnew, C.R., Van Lange, P.A.M., Rusbult, C.E., & Langston, C.A.

¹². Lewis

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان و مردان متأهل ساکن در شهر قزوین می‌باشد که حداقل ۵ سال و بیش‌تر از زندگی مشترکشان گذشته است. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای دومرحله‌ای است که به صورت تصادفی و تقسیم شهر قزوین به ۲۶۰ محله و استخراج ۱۰ محله از مناطق جنوب، غرب، شرق، شمال و مرکز شهر، نمونه‌ای شامل ۲۰۰ نفر از زنان و مردان متأهل (۱۰۴ زن و ۹۶ مرد) که حداقل ۵ سال و بیش‌تر از آغاز زندگی مشترکشان گذشته بود، در دامنه سنی ۲۰ تا ۷۲ سال با میانگین ۴۰/۲۳ و انحراف استاندارد ۱۱/۳۵، از طریق مراجعه به منزل، توسط ۷ پرسشگر انتخاب گردید.

ابزار سنجش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها:

آزمون منزلت عینی هویت من (EOM-EIS2)^{۱۳}: این آزمون توسط آدامز، شی و فیچ (۱۹۷۹)، به نقل از آدامز، (۱۹۹۹) در ۲۴ عبارت ساخته شد که فقط بعد ایدئولوژیک را آزمون می‌کرد. آن‌ها سپس در سال ۱۹۸۴ این آزمون را به بعد بین‌فردی نیز گسترش، و سرانجام در سال ۱۹۸۶ تجدید نظر دوم و نهایی آزمون که در تحقیق حاضر مورد استفاده قرار گرفته است، را انتشار دادند (آقامحمدیان شعرباف و شیخ روحانی، ۱۳۸۸). این پرسشنامه بر اساس نظریه اریکسون و مارشیا در مورد هویت تدوین شده و شامل چهار خرده مقیاس هویت‌یافته، بحران‌زده، دنباله‌رو و سردرگم می‌باشد. پرسشنامه دارای دو بعد هویت ایدئولوژی (۳۲ سوال) با ۴ حیطه شامل مذهب، سیاست، شغل و سبک زندگی و هویت بین‌فردی (۳۲ سوال) شامل حیطه‌های نقش جنسی، روابط دوستانه، فعالیت‌های تفریحی و قرار ملاقات با جنس مخالف^{۱۵} است. در پژوهش رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹) سوالات این پرسشنامه برای اولین بار در ایران ترجمه، و سوالات نامناسب با فرهنگ اسلامی (مانند سوالات مربوط به دین و روابط جنسی غربی) تغییر یافت. یکی از تغییرات، تغییر محتوای سوالات قرار با جنس مخالف به تنظیم رابطه باجنس مخالف است. از آن جا که در این پژوهش روابط زوجین مورد توجه است، فقط بعد هویت بین‌فردی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در پژوهش رحیمی‌نژاد (۱۳۷۹)، و رحیمی‌نژاد و منصور (۱۳۸۰) ضریب پایایی بعد هویت بین‌فردی ۰/۷۶ و منزلت‌های هویتی در جدول ۱ آمده است. اعتبار کل پرسشنامه در این پژوهش، با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۷۹ و در منزلت‌های هویتی، به شرح زیر می‌باشد:

^{۱۳}.Extended Objective Measure of Ego Identity Status

^{۱۴}.Adams, Shea, & Fitch

^{۱۵}.Dating

جدول ۱: ضرایب پایایی خرده مقیاس‌های آزمون منزلت‌های هویت

منزلت‌های هویت (بعد بین فردی)	رحیمی نژاد (۱۳۷۹)	پژوهش حاضر
هویت یافته	۰/۶۸	۰/۶۸
هویت بحران‌زده	۰/۶۵	۰/۶۹
هویت سردرگم	۰/۶۰	۰/۶۸
هویت دنباله‌رو	۰/۸۱	۰/۸۰

مقیاس طلاق عاطفی^{۱۶}: این پرسشنامه در ۲۴ گویه به شکل دو گزینه‌ای به صورت بلی (۱) یا خیر (۰) توسط گاتمن (۱۹۹۸، ترجمه جزایری، ۱۳۸۸) تنظیم شده است. پس از جمع کردن پاسخ‌های مثبت، چنانچه تعداد آن برابر هشت (۸) و بالاتر باشد، به معنای این است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق روانی در وی مشهود است. پایایی کل این آزمون در این پژوهش با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۳ بدست آمد. روایی صوری این پرسشنامه با نظر متخصصان تایید گردید.

¹⁶emotional divorce scale

مقیاسه‌ی منزلت‌های هویت بین‌فردی زنان و مردان متاهل با توجه به ...

جدول ۲: بار عاملی گویه‌های مقیاس طلاق عاطفی به روش چرخش واریماکس

گویه‌ها	عوامل		
	حس جدایی از یکدیگر	حس تنهایی	نیاز به هم‌صحبت بی‌حوصلگی و بی‌قراری
گویه ۱			۰/۶۷
گویه ۲	۰/۵۳		
گویه ۳	۰/۶۵		
گویه ۴	۰/۶۹		
گویه ۵	۰/۶۸		
گویه ۶			۰/۶۳
گویه ۷	۰/۵۷		
گویه ۸	۰/۶۲		
گویه ۹		۰/۴۹	
گویه ۱۰	۰/۸۰		
گویه ۱۱		۰/۶۷	
گویه ۱۲		۰/۵۶	
گویه ۱۳		۰/۴۸	
گویه ۱۴		۰/۶۰	
گویه ۱۵	۰/۵۷		
گویه ۱۶	۰/۵۹		
گویه ۱۷	۰/۴۰		
گویه ۱۸	۰/۵۲		
گویه ۱۹		۰/۷۶	
گویه ۲۰		۰/۷۲	
گویه ۲۱		۰/۷۱	
گویه ۲۲			۰/۵۸
گویه ۲۳		۰/۶۳	
گویه ۲۴	۰/۶۵		

برای بدست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریماکس و آزمون اسکری استفاده شد و بدین صورت طبق جدول ۲ چهار عامل مورد شناسایی قرار گرفت: جدایی و فاصله از یکدیگر،

احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم‌صحبت و احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری. مقادیر اشتراک و بار عاملی گویه‌های مقیاس نشان می‌دهد که بار عاملی همه سوالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته، بار عاملی قابل قبولی دارند.

یافته‌ها

با توجه به وجود نمره برش مقیاس طلاق عاطفی و تقسیم نمونه به دو گروه دارای نشانگان طلاق عاطفی و بدون نشانگان طلاق عاطفی، نمرات میانگین و انحراف استاندارد هر دو گروه به شرح ذیل است:

جدول ۳: وضعیت طلاق عاطفی در گروه نمونه پژوهش

فرآوانی	درصد	M	SD	حداقل	حداکثر
۷۲	۳۶	۱۳/۶۵	۵/۸۲	۰	۲۴
۱۲۸	۶۴	۲/۸۶	۲/۱۳	۰	۷
۲۰۰	۱۰۰				

جدول ۳ نشان می‌دهد که ۷۲ نفر (۳۶٪) از گروه نمونه دارای علائمی از طلاق عاطفی با میانگین ۱۳/۶۵ و انحراف استاندارد ۵/۸۲ بوده و ۱۲۸ نفر (۶۴٪) بدون نشانگان طلاق عاطفی با میانگین ۲/۲۸۶ و انحراف استاندارد ۲/۱۳ بودند.

جدول ۴: میانگین و انحراف استاندارد نمرات افراد در منزلت‌های هویتی

با توجه جنسیت و وضعیت طلاق عاطفی

بدون نشانگان طلاق عاطفی						دارای نشانگان طلاق عاطفی						
مرد			زن			مرد			زن			
SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	
۶/۳۶	۳۷/۳۶	۶/۷۶	۳۷/۱۰	۵/۸۰	۳۷/۵۵	۷	۳۶/۵۱	۷/۸۱	۳۶/۳۵	۶/۵۲	۳۶/۶۱	هویت یافته
۸/۰۵	۲۶/۹۲	۹/۰۸	۳۷/۱۰	۶/۶۳	۲۵/۰۳	۷/۶۱	۲۹/۲۷	۷/۳۶	۳۰/۰۷	۷/۸۰	۲۸/۷۷	بحران زده
۹/۳۳	۲۶/۴۳	۱۰/۲۵	۲۵/۶۴	۸/۱۴	۲۷/۳۳	۹/۳۶	۳۷/۰۴	۱۰/۵۶	۲۶/۴۶	۸/۶۱	۳۷/۴۰	دنباله رو
۷/۳۷	۲۳/۵۰	۸/۲۲	۲۴/۸۵	۵/۹۷	۲۱/۹۸	۹/۳۲	۲۶/۶۵	۸/۱۳	۲۸/۶۰	۶/۶۷	۲۶/۵۴	سردرگم

مقایسه‌ی منزلت‌های هویت بین فردی زنان و مردان متاهل با توجه به ...

نتایج آزمون Box نشان داد که ماتریس کواریانس متغیرهای وابسته در بین گروه‌ها یکسان است ($P < 0/05$). همچنین نتایج آزمون لوین نشان داد که مفروضه یکسانی واریانس‌ها در بین گروه‌ها رعایت شده است ($P < 0/05$).

جدول ۵: تحلیل واریانس چند متغیری نمرات افراد در منزلت‌های هویتی با توجه جنسیت و وضعیت طلاق عاطفی

منابع	ارزش	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	Sig.	2
طلاق عاطفی	۰/۹۱	۴/۵۷ ^b	۴	۱۹۳	۰/۰۰۱	۰/۰۸۷
جنسیت	۰/۹۵	۲/۱۶ ^b	۴	۱۹۳	۰/۰۷۵	۰/۰۴۳
طلاق عاطفی* جنسیت	۰/۹۹	۰/۱۰ ^b	۴	۱۹۳	۰/۹۸۲	۰/۰۰۲

لامبدا ویلکز بدست آمده از تحلیل واریانس چند متغیری موجود در جدول ۵ نشان می‌دهد که تاثیر طلاق عاطفی بر ترکیب خطی متغیرهای وابسته معنی‌دار است: $F(193,4) = 4/57$ ، $P < 0/001$ ، $\eta^2 = 0/08$. به منظور بررسی این که طلاق عاطفی بر کدامیک از منزلت‌های هویتی معنی‌دار است، از آزمون تحلیل واریانس بهره گرفته شد.

جدول ۶: تحلیل واریانس نمرات افراد در منزلت‌های هویتی با توجه جنسیت و وضعیت طلاق عاطفی

منبع	جمع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	Sig.	2
طلاق عاطفی	هویت یافته	۱	۳۱/۵۰	۰/۷۲	۰/۳۹۶	۰/۰۰۴
	بحران زده	۱	۶۶۱/۴۹	۱۰/۶۱	۰/۰۰۱	۰/۰۵۱
	دنیاالرو	۱	۸/۸۷	۰/۱۰	۰/۷۵۱	۰/۰۰۱
	سردرگم	۱	۷۷۰/۰۴	۱۴/۵۸	۰/۰۰۰	۰/۰۶۹
خطا	هویت یافته	۱۹۶	۴۳/۵۳			
	بحران زده	۱۹۶	۶۲/۳۱			
	دنیاالرو	۱۹۶	۷۸/۶۳			
	سردرگم	۱۹۶	۵۲/۷۸			
کل	هویت یافته	۲۰۰	۲۸۲۷۳۹/۰۰			
	بحران زده	۲۰۰	۱۵۷۸۹۳/۰۰			
	دنیاالرو	۲۰۰	۱۵۹۳۹۷/۰۰			
	سردرگم	۲۰۰	۱۳۵۲۶۲/۰۰			

F بدست آمده از تحلیل واریانس نمرات افراد در منزلت‌های هویتی با توجه به وضعیت طلاق عاطفی افراد، در جدول ۶ نشان می‌دهد که افراد دو گروه دارای نشانگان طلاق عاطفی و بدون نشانگان طلاق عاطفی در منزلت‌های هویتی (بحران‌زده و سردرگم) $F(196,1)=10/61$ ، $P < 0/001$ ، $\eta^2=0/051$ ، با یکدیگر تفاوت دارند. مقایسه میانگین‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که گروه دارای نشانگان طلاق عاطفی در دو منزلت هویتی یاد شده، نمرات بیش‌تری کسب نموده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

آن‌چه در این پژوهش مورد مطالعه واقع شد، بررسی مقایسه‌ای منزلت‌های هویتی زنان و مردان متأهل دارای رضایت از زندگی زناشویی با افرادی بود که علائمی از طلاق روانی در زندگی زناشویی آن‌ها مشهود می‌باشد. در تحلیل داده‌های بدست آمده، در منزلت‌های هویتی بین دوگروه زن و مرد تفاوت معناداری مشاهده نشد. به این معنا که زنان و مردان در منزلت‌های هویتی نمرات مشابهی کسب کردند که البته با نتایج مطالعات لوئیز (۲۰۰۳، به نقل از فاجوکف، ۲۰۰۷)، اسپتلی و همکاران (۱۹۹۹) مبنی بر تفاوت‌های جنسیتی در تحول هویت ناهمخوان، و با نتایج پژوهش تیچ و ویت‌بورنه (۱۹۸۲) همخوان است. علت این نتایج متفاوت و گاه متناقض، ممکن است از عوامل جامعه‌شناختی و فرهنگی نشأت گرفته باشد که متناسب با نقش‌های جنسی پذیرفته شده در یک فرهنگ خاص، فعالیت‌های تفریحی و نحوه ارتباط با جنس مخالف امری نسبی است.

در پاسخ به پرسش‌هایی این پژوهش، با عنایت به جداول ۵ و ۶ باید گفت، بین دو گروه دارای و بدون نشانگان طلاق عاطفی در نمرات منزلت‌های هویت بین‌فردی (بحران‌زده و سردرگم) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. مقایسه میانگین‌های مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که گروه دارای نشانگان طلاق عاطفی، در منزلت‌های هویتی بحران‌زده و سردرگم نسبت به گروه بدون نشانگان طلاق عاطفی نمرات بیش‌تری کسب نموده‌اند. این یافته هم‌چنین از نظریه‌ی اریکسون‌جانب‌داری می‌نماید، چرا که سپری نمودن بحران انزوا و رسیدن به صمیمیت، مستلزم سپری نمودن موفقیت‌آمیز بحران هویت و متعهد شدن به هویتی تثبیت شده و موفق می‌باشد. باید گفت عشق ورزیدن به طور عمده با هدف رسیدن به تعریفی از خود صورت می‌گیرد. صمیمیت واقعی زمانی ممکن است که فرد به هویت مستقل دست یافته باشد. بنابراین، تنها زمانی که فرد از دست‌یابی به تعریفی مشخص از خود (هویت موفق) مطمئن باشد، می‌تواند در یک رابطه دو جانبه همه چیز خود را به طرف مقابل واگذار کند. این یافته با مطالعات کُستا و همکاران (۲۰۰۰)، دی‌لاروند و سوان (۱۹۹۸)، زیمرمن و بکر-استول (۲۰۰۲)، اسمیتس (۲۰۰۹)، آرسٹ و همکاران (۲۰۰۹)، کوک و جونز (۲۰۰۲)، استس و بورک (۲۰۰۵) و نجف‌لوئی (۱۳۸۳)

مقایسه‌ی منزلت‌های هویت بین فردی زنان و مردان متاهل با توجه به ...

همخوان می‌باشد. طبق دیدگاه اریکسون، شناخت خود در ارتباط با دیگری میسر می‌گردد، چنانچه «خود» در دوره تحول خود به بلوغ رسیده باشد، توسط دیگران نیز تثبیت و به تکامل خود در سایر ابعاد ادامه می‌دهد. برعکس، چنانچه فرد نتواند در فرایند اکتشاف هویت‌های متعدد، به هویتی مشخص متعهد شود، اغتشاشی در فرآیند پذیرش نقش‌های مختلف تجربه خواهد نمود که این اغتشاش در مرحله دیگر زندگی که فرآیند پایه‌گذاری روابط عمیق و صمیمانه با شریک زندگی است، گسترش یافته، روابط ایجاد شده را دچار تزلزل خواهد نمود. اینجاست که مشاهده می‌شود افراد با منزلت‌های هویتی بحران‌زده و سردرگم، در سهیم شدن و به اشتراک‌گذارن سرمایه‌های عاطفی خود با دیگری احساس ناتوانی کرده، تعارضات بیش‌تری را در زندگی زناشویی خود تجربه می‌کنند، تعارضاتی که می‌تواند در صورت استمرار و پایداری، علی‌رغم همزیستی فیزیکی با انگیزه‌های مختلف، به جدایی زناشویی منجر شود.

طبیعی است چنانچه دو فردی که مراحل بهنجار رشد هویتی خود را سپری نموده‌اند، اینک که در حال هویت بخشیدن به رابطه‌ای عمیق و بی‌همتا از زندگی خود هستند، ناگزیر از آفرینش هویتی می‌باشند که فراتر از جمع دو هویت مستقل به تنهایی است، دست‌یابی به هویتی منسجم و تصوراتی مطلوب از خواسته‌ها و انتظارات خود، منجر به پذیرش نقش‌های جدید زندگی زناشویی گردیده، به صمیمیتی پایدار و تعهدی باثبات در روابط زناشویی منجر خواهد شد. از طرفی تعارضات موجود بین دو فرد بالغ در یک رابطه شراکتی، فرایند شکل‌گیری هویت را در راستای تکامل ناتمام گذارده، تحول آن را مخدوش نموده، موجب تعارض در نقش‌ها و مطلوب‌های پیش پذیرفته شده طرفین رابطه می‌گردد. در همین راستا، پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که افراد تمایل به اشتراک صمیمیت با دیگرانی را دارند که موجب تایید هویت آن‌ها گردند. چنانچه بر مبنای یافته‌های اسیتلی و همکاران (۱۹۹۹) و آگنیو و همکاران (۱۹۹۸)، به نقل از اسیتلی و همکاران، (۱۹۹۹) نیز می‌توان این گونه استدلال نمود افرادی که علی‌رغم قرارگرفتن در رابطه ازدواج به دلیل وجود تعارضات و نارضایتی‌های زناشویی، در مقایسه با زوجینی که در یک رابطه‌ی زناشویی متعهد و صمیمانه، هم‌چون افراد مجرد هویتی فردگرایانه داشته و در فرآیند به اشتراک‌گذارن جنبه‌های مختلف هویتی خود با یکدیگر، تلاش کم‌تری از خود نشان می‌دهند. بنابراین، نتیجه می‌شود برای دست‌یابی به صمیمیتی رضایت‌بخش و رابطه‌ای تعهدآمیز، رسیدن به تعریفی از «خود» و «هویت» الزامی است، تا بتوان در رابطه‌ای جدید هویت خود را با هویت دیگری درهم آمیخت و هویتی تکامل یافته‌تر و رشدیافته‌تر به منصف ظهور رساند، هویتی که ظرفیت پذیرش نقش‌های جدید ناشی از زندگی زناشویی و قابلیت حل تعارضات ناگزیر از چنین رابطه‌ای را برای هر دو طرف رابطه فراهم نماید. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، مقایسه منزلت‌های هویتی بین زنان و مردان متاهلی بود که ریسک جدایی زناشویی بین آن‌ها بالا بود با افرادی که از رابطه زناشویی خود رضایت نسبی داشتند. از آنجا که موضوع طلاق عاطفی به کیفیت روابط پنهان زوجین می‌پردازد، از جمله

محدودیت‌های پژوهش، نگرش‌های احتیاط‌آمیز آن‌ها در پاسخ‌گویی به سوالاتی بود که در آن جنبه‌های خصوصی زندگی آن‌ها مورد توجه قرار گرفته بود، لذا پیشنهاد می‌شود موضوع طلاق عاطفی در قالب پژوهش‌های کیفی و عمیق با استفاده از مصاحبه و مشاهدات بالینی مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد.

References

- Acitelli, L. K., Rogers, S., & Knee, C. R. (1999). The Role of Identity in the Link between Relationship Thinking and Relationship Satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 16(5), 591-618.
- Adams, G. R. (1999). *Objective Measure of Ego Identity Status: A Manual on Theory and Test Construction*. University of Guelph, Guelph, Ontario.
- Aghamohammadian Sherbaf, H. & Sheikh rohani, S. (2009). The Comparison of anxiety in identity Statuses. *Daneshvar Raftar*, 16(37), 9-20 (In Persian).
- Årseth, A. K., Kroger, J., & Martinussen, M. (2009). Meta-Analytic Studies of Identity Status and the Relational Issues of Attachment and Intimacy. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 9,1-32.
- Atkinson, Hilgard, Nolen-Hoeksema, S., Fredrickson, B. L., Loftus, G. R., & Lutz, C. (2012). *Atkinson & Hilgard's Introduction to Psychology*. Volume I. Translated by Ganji, M. 15th Ed. Tehran: Savalan publication (In Persian).
- Cook, J. L. & Jones, R. M. (2002). Congruency of Identity Style in Married Couples. *Journal of Family Issues*, 23, 912-926.
- Costa, P. T., Herbst, J. H., McCrae, R. R., & Siegler, I. C. (2000). Personality at midlife: Stability, intrinsic maturation, and response to life events. *Assessment*, 7(4), 365-378.
- De La Ronde, C., & Swann Jr, W. B. (1998). Partner verification: restoring shattered images of our intimates. *Journal of personality and social psychology*, 75(2), 374-82.
- Erikson, E. H. (1963). *Childhood and society* (2nd Ed.). New York: Norton.
- Fadjukoff, P. (2007). *Identity Formation in Adulthood*. Academic Dissertation. University of Jyvaskyla Finland.
- Gottman, J. (2010). *Why Marriages Succeed or Fail*. Translated by Jazayeri, A. Tehran: Khojasteh publication (In Persian).
- Gottman, J. M. (1993). A Theory of Marital Dissolution and Stability. *Journal of Family Psychology*, 7(1), 57-75.
- Hodgson, J. W. & Fischer, J. L. (1979). Sex differences in identity and intimacy development in college youth. *Journal of Youth and Adolescence*, 8(1), 37-50.
- Khavasi, A. (2010). *The meaning of spouses' Privacy in successful marriages*. Tehran: ghatre publication (In Persian).
- Kroger, J. (2007). *Identity development: Adolescence through adulthood*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.
- Layde, D. (2010). *Social and Personal Identity: Understanding Yourself*. Translated by Smaieli, M. Tehran: Rasa publication (In Persian).

- Marcia, J. E. (2002). Identity and psychosocial development in adulthood. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 2(1), 7-28.
- Mullis, A. K., Mullis, R. L., Schwartz, S. J., Pease, J. L. & Shriner, M. (2007). Relations among Parental Divorce, Identity Status, and Coping Strategies of College Age Women. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 7(2), 137-154.
- Naderi, F., Heidari, A., and Hosseinzadeh Maliki, Z. (2010). The relationship between knowledge and sexual attitudes, love components and marital satisfaction with domestic violence in married employees of public Offices of Ahwaz. *Women and Culture*, 1 (1), 28-45
- Najaf Loui, F. (2005). The relationship between couples' differentiation with marital conflicts. *Abstracts of the First Congress of Pathology in family in Iran*, Tehran: Shahid Beheshti, 238 (In Persian).
- Rafi'ei, H. (2003). *The Son of self & identity architect*. First Ed. Tehran: Danzheh publication (In Persian).
- Rahiminezhad, A. & Mansour, M. (2001). Developmental Investigation of identity status and its relation to self-esteem and state anxiety of college students. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, 26(158-159), 477-500 (In Persian).
- Rahiminezhad, A. (2000). *Developmental Investigation of identity status and its relation to self-esteem and state anxiety of college students*. Tarbiat Moddares University. unpublished Dissertation (In Persian).
- Sabor Ordubadi, A. (2009). *Stable Bonds*. Volume II. Tehran: Bahman Borna (In Persian).
- Smits, I. (2009). *Identity styles in adolescence: Measurement and associations with perceived parenting, personal well-being, and interpersonal functioning*. Doctoral dissertation, Katholieke Universiteit Leuven Faculteit Psychologie En Pedagogische Wetenschappen.
- Statistical Institution of Iran (2011). *Statistical Yearbook of Qazvin Province* (In Persian).
- Stets, J. & Burke, P. J. (2005). Identity Verification, Control, and Aggression in Marriage. *Social Psychology Quarterly*, 68(2), 160-178.
- Tesch, S. A. & Whitbourne, S. K. (1982). Intimacy and identity status in young adults. *Journal of Personality & Social Psychology*, 43(5), 1041-1051.
- Wallerstein, J. S. (1994). The early psychological tasks of marriage. *American Journal of Orthopsychiatry*, 64, 640-650.
- Zimmermann, P., & Becker-Stoll, F. (2002). Stability of attachment representations during adolescence: the influence of ego-identity status. *Journal of Adolescence*, 25, 107-124.